

گفت: حالا چون خیلی اصرار می کنی یک سی سالی هست!

حسن بصری گفت سی ساله دارید تحمل می کنید؟! گفت: آخه ما همسایه هستیم همسایه باید باربردار باشد نه بارگزار.

حسن بصری گفت: سخن آشنایان می گویی و به بیگانگی معروفی، می گی یهودی هستی در حالی که از من مسلمان تری!

شب قدر تلفن را بردار، به فامیل ها زنگ بزن، احوال بپرس، عذرخواهی کن. فقط وقتی می خواهی مکه و مدینه بروی حلالیت می طلبی؟ کجا گفته اند یک روز مکه باشی از هزار ماه بالاتر است؟

این جا جای من نیست

۲. [مساله دومی که پیامبر بیان کردند این است:] کسی توبه کند ولی مجلس و طعامش را عوض نکند، توبه کار نیست.

این گداهایی که با هم می گیریم، غیبت می کنیم و ایراد می گیریم، این ها را عوض کنیم. محله ای که به گناه می افتیم عوض کنیم. محله ای که همه فسقه، فجوره، بجهات وقتی می آید بیرون به گناه کشیده می شه، خودت وقتی میای بیرون در اولین نگاه به گناه کشیده می شی، وقتی توبه کردی این محله رو عوض کن. می گی با این پول جای دیگه نمی شه خونه خرید، دینت مهم تره یا خونه؟ برو به خاطر خدا مستأجری بکش.

ما روز قیامت چه سختی با امام حسین (ع) داریم؟ امام حسین می فرمایند: من تکه تکه شدم. شما می خوای بگی ما هم اشک ریختیم. اشک ریختی؟ معاویه هم اشک می ریخت برا علی. وقتی حضرت شهید شد، در مجالس خصوصی دعوت می کرد از عدی بن حاتم، سوده و دیگران و می گفت از ابوالحسن برام بگید. وقتی شروع می کردن به گفتن، اشکش درمی اومد.

بگی یا امام حسین (ع) شما چون دادی منم خونه ام رو عوض کردم. یه مدت سختی کشیدم که دین خودم و زن و بچه ام حفظ بشه. این مقدار از دست ما بر میاد که سختی پیدا کنیم. باید یه کاری بکنیم که بوی توبه بده. توبه کننده یعنی این، یعنی توی دقیق ترین شئونش باید یه اثری داشته باشه.

دلا در عاشقی ثابت قدم باش که در این ره نباشد کار بی اجر

مسیریم. اگه ضجه نزنیم و ازش نخواهیم معلوم نیست چه می شود!

توبه هایی که توبه است

رسول خدا (ص) در جمعی از اصحاب فرمود: آیا می دونید توبه کننده واقعی کیه؟ گفتند: نه.

بعد پیامبر (ص) چند مورد بیان می کنند که اگر کسی توبه کند و این کارها را نکند توبه اش قبول نیست:

۱. اگر کسی توبه کنه و اونایی را که دشمنش بودند راضی نکنه، او توبه کننده نیست. منظور از خصمایی که در این روایت آمده چیست؟ یعنی ما مسلمانان برویم اسرائیلی ها را راضی کنیم که ما پشت سر شما خیلی شعار دادیم، حالا شب احیا می خواهیم توبه کنیم؟! نه، باید منظور حدیث را فهمید. خصما یعنی دعوای درونی و خانوادگی، برادر با برادر، پدر با پسر... مگر قایل به هابیل نگفت می کشمت. حالا هابیل چی

ما روز قیامت چه سختی با امام حسین (ع) داریم؟ امام حسین می فرمایند: من تکه تکه شدم. شما می خوای بگی ما هم اشک ریختیم. اشک ریختی؟ معاویه هم اشک می ریخت برا علی

گفت؟ نگفت اگر دست دراز کنی، می زنمت، چوب برداری، من اجر برمی دارم، فحش بدهی، فحش می دهم... اما گفت اگه حتی منو بکشی من دست دراز نمی کنم.

تو مسلمان تر از منی!

حسن بصری یک همسایه یهودی داشت بعد از سی سال همسایگی وقتی در حالت احتضار بود گفت برویم یک سری بهش بزنیم دیگه داره می میره. وقتی رفت داخل خانه دید همسایه اش خوابیده و بالای سرش یک بادیه ای بود. تعجب کرد، گفت: همسایه! این بادیه چیه بالای سر شما؟

گفت: این همسایه بالایی که شما باشید مثل این که این جا محل تطهیر شمامست وقتی که وضو می گیرید یا دست و صورت می شورید آب می چکه، ما هم این را گذاشتیم تا آب نریزه روی فرش، خیس نشه!

گفت: بیخشید ما نمی دونستیم. شما خبر می دادید، خب حالا چند روزه این اتفاق افتاده؟

■ اگر لیل القدر خیر من الف شهر است شاید یک دلیلش این باشد که در آن یازده ماه گذشته به اندازه هزار ماه گناه کردیم، به اندازه هزار ماه از خدا دور شدیم، به اندازه هزار ماه دنده عقب رفتیم. خدا ما رو دوست دارد و بنده خودش می داند. گاهی ما طاقت شنیدن خطاب های قرآن را نداریم چون یه خورده سختمان است. مثلاً اگر امشب در این مسجد چشم باز کنی و ببینی یه عده آدم های بی روزه، قمارباز و شراب خوار آمده اند تعجب می کنی می پرسید اینها چرا آمده اند؟

آنها می گویند ما هم دعوت شدیم. خودش در قرآن گفته: قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم! ای بنده های من! ای کسانی که خطا کردید! [بیایید].

آن مرد بزرگ در قم منزلش باتوق همین تیپ آدم ها بود. آمدند اعتراض کردند که این الواط ها کی اند می آیند منزل شما؟

گفته بود: منزل من مطب است هرکسی می تواند بیاید. من نمی توانم تابلو بزنم بگم بعضی ها نیاند! آنها که سارس دارند آنها که جنون گاوی دارند، سرطانی ها، جزامی ها، هیأتی نیایند، مطب یعنی همین، باید هر مریضی بتواند بیاید.

الگوی مثل امام سجاد (ع)

ما اگر شیعه راستین حضرت سجاد (ع) باشیم آن حضرت در دعای ابوحمره می فرماید: خدایا از من بدتر دیگه کیه؟

آدم واقعا بهش سخت می گذره و باور نمی کند که واقعا امام سجاد (ع) این حرف را زده است؟ یا خودتان می گوئید حتما شوخی کرده اند.

این ها شوخی نیست مردی می گه من وارد مسجد الحرام شدم نیمه های شب بود دیدم که یک جوان عربی کنار در خانه کعبه به خاک افتاده و صورت روی خاک گذاشته و عجیب داره گریه و ناله می کنه. می گویند: من اشتباه کردم، منو ببخش، اگه تو منو نبخشی چکار کنم؟

گفتم این جوان خیلی حالش بده، حتما یک گناه خیلی بزرگی کرده. گفتم بمونم یک ذره دلداریش بدم. وقتی سر بلند کرد، دیدم علی بن الحسین امام سجاد (ع) است زبانم بند آمد گفتم: آقا شما چرا؟

فرمود: شما فکر می کنی قصه قبر و برزخ و یوم یفر المرء من اخیه و... اینها دروغه؟ شوخیه؟ یا برای یک گروه خیلی خاصیه؟ بقیه بیمه شدن؟ اینا مال زناکارا و قماربازهاست؟! بقیه تضمین دارن؟! همه ما در همین

یک شب به جای هزار ماه غفلت

کفایتی از حجت الاسلام والمسلمین تقویان

